

پیک رضوان

دایگان

نشریه فرهنگی مذهبی پیک رضوان شماره چهل و چهارم
ویژه آیین ماه سال ۱۴۰۳ هجری قمری

امام حسین(ع) فرمود: همانا مردمان بندۀ دنیا بند و دین لقله زیان آنهاست و هر جا منافقشان [به] وسیله دین [آن] ایشتر تأمین شود
زیان می چرخاند و چون به بلا آزموده شوند آنگاه دین داران اندکند.

(تحف العقول / ۲۴۵)

این نشریه حاوی اسماء متبرک است

بهای نشریه ذکر صلووات جهت سلامتی آقا امام زمان علیه السلام بیان فرجه نشریه



فوائد بی نظیر تربت امام حسین(ع)

۱- تأثیر تماس اعضای بدن با تربت

امام صادق (ع) فرمود: «خداوند متعال تربت جدم حسین (ع) را شفای هر درد، و ایمنی از هر خوفی قرار داده است؛ پس هرگاه یکی از شما خواست از آن خاک تناول کند، بیوسد و آن را به چشم گذارد و بر سایر اعضای بدنش تماس دهد...»

۲- سجده بر تربت

یکی دیگر از برکات و آثار خاک مزار امام حسین (ع) این است که اگر کسی بخواهد خدا را یاری کند تا مشمول عنایات پروردگار و سجده بر آن تربت پاک حجایهای ظلمانی را کنار زده و در توجه حق تعالی به نمازگزار مؤثر است. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «همانا سجود بر تربت حسین (ع) او هستند و آنان سرچشمه همه برکات واسطه همه فیوضات الهی می باشند و آنچه از طرف پروردگار به بندگانش احسان می شود به خاطر آنهاست.

شیوه های یاری امام زمان علیه السلام (قسمت نهم)

۳- شفای یاری از برکات و برکات قطعی تربت پاک سیدالشهدا (ع) شفا بودن آن برای دردها و آلام انسان است.

۴- تأثیر کام برداشتن اطفال با تربت

کام برداشتن اطفال با تربت امام حسین (ع) موجب ایمنی کودک می شود چنانکه امام صادق (ع) فرمود:

«کام فرزندانتان را با تربت حسین (ع) باز کنید که آن امان است»

۵- تأثیر تربت حسین، همراه جنازه

یکی از شیعیان به حضرت (در زمان غیبت صغری توسط نایب خاص حضرت) می نویسد: آیا جایز است ما تربت حسین (ع) را با میت در قبر بگذاریم، یا با تربت حسین روی گفن بنویسیم؟

حضرت در پاسخ مرقوم می فرمایند: هر دو کار پسندیده است. البته باید رعایت احترام تربت بشود. مهر یا تربت، مقابل یا زیر صورت میت باشد، بلکه به برکت خاک قبر حسین (ع) قبر میت محل امنی از هر بلا و آفت و عذابی گردد

۶- تسبیح تربت

از حضرت صاحب الزمان (ع) روایت شده که فرمود: «هر کس در بیان معنای انتظار و شرایط و آداب آن: مژوم فقهی ایمانی در این تسبیح تربت امام حسین (ع) را در دست گیرد و ذکر را فراموش کند، ثواب ذکر برای او نوشته می شود».

و امام صادق فرمود: «یک ذکر یا استغفار که با تسبیح تربت حسین (ع) گفته شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود»

ایشان انتظار را به دو مقوله قلبی و بدنی تقسیم می کند

شیوه های یاری قائم آل محمد

سایت پایگاه جامع عاشورا

از شدت ارادت او به کشتی نجات امت، امام حسین علیه السلام و دلیل آن پرسیدند که در پاسخ فرمود: «من هر چه دارم از آن گرامی است».

و آنگاه یکی از کرامتهای آن حضرت در مورد خودش را بدین صورت شرح داد: هنگامی که در کربلا بود

شی در خواب دیدم که فردی به من گفت: «شیخ عبدالکریم اکارهایت را ردیف کن که تا سه روز دیگر از دنیا خواهی رفت.

از خواب بیدار شدم و غرق در حیرت گشتم، اما بدان توجه

زیادی نکردم. شب سه شنبه بود که این خواب را دیدم، روز سه شنبه و چهارشنبه را به درس و بحث رفتم و کوشیدم خواب

را فراموش کنم و روز پنج شنبه که تعطیل بود با برخی از دوستان به با غ معروف «سید جواد کلیدار» در کربلا رفتیم و پس از گردش و بحث

علمی نهار خوردیم و به استراحت پرداختیم. هنوز خواب نبرده بود که به تدریج تب و لرز شدیدی به من دست داد و به سرعت شدت یافت و

کار به جایی رسید که دوستان هر چه عبا و روانداز بود همه را روی من انداختند اما باز هم می لرزیدم و آنگاه پس از ساعتی تب سوزانی همه وجود را فاگرفت و احساس کردم که حالم بسیار و خیم است و با مرگ

فاصله ای ندارم. از دوستان خواستم که مرا هر چه زودتر به منزل برسانند و آنان نیز وسیله ای یافتدند و مرا به خانه انتقال دادند و در

منزل به حالت احتضار افتادم و کم کم علائم و نشانه های مرگ از راه

رسید و حواس ظاهری رو به خاموشی نهاد و تازه به یاد خواب سه شنبه

افتادم. در آن حالت بحرانی بودم که دیدم دو نفر وارد اطاق شدند و در

دو طرف من قرا گرفتند و ضمن نگاه به یکدیگر گفتند: «پایان زندگی اوست و بیلد و پاک و آواسته داشته باشد به چیزهای

کوچک دل نمی بندد. اینجاست که می فهمیم چرا اولیای

خدای اینقدر به اهل بیت عصمت و طهارت وابسته و مشتاق

بودند. آنها که به دنبال کمال انسانی و انسانیت اند

عاشق الگوهای انسانیت و عبودیت می شوند. این داستان

برای انسانهای پست و فروماهیه بر عکس و واژگون است. ائمه

اطهار که مصداق بازار غیرت اند هم در مقابل هیچگاه

دوستداران خود را رهانی کنند و روح بلند و ملکوتی و

انسانی آنها اجازه نمی دهد که مشتاقانشان را دست

خالی برگردانند. مرحوم شریف رازی نقل می کند: آیت الله

حائری یزدی، بنیانگذار حوزه علمیه قم دارای خصایص

اخلاقی و انسانی و سجا یای بسیاری بود. از خصوصیات باز

او شدت ارادتش به پیامبر و خاندانش، به ویژه سالار

شهیدان حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود که زباند

دیده گشودم اما دریافت که چشمان بسته و بصرورت پوشش کشیده

اند. خواستم پایم را حرکت دهم که دیدم دو شست پایم را نیز بسته

شیخ ابراهیم صاحب الزمانی تبریزی که یکی از خوبان

بود از سوی آن جناب دستور داشت همه روزه پیش از آغاز

درس فقه آن مرحوم، دقایقی ذکر مصیبت امام حسین

علیه السلام را نماید و آنگاه جناب حائری درس فقه خود

را آغاز می کرد. دمه محروم مجلس سوگواری داشت و روز

عاشورا خود به نشان سوگ حسین علیه السلام گل بر

چهره و پیشانی می مالید و جلو دسته عزاداری علم

برگرفته از پایگاه یا مجری



کرامتی (معجزه ای) عجیب از سید الشهدا علیه السلام

آیت الله حائری یزدی، بنیانگذار حوزه علمیه قم دارای خصایص اخلاقی و انسانی و سجا یای بسیاری بود. از خصوصیات بازراز او شدت ارادتش به پیامبر و خاندانش، به ویژه سالار شهیدان حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود که زباند خاص و عام بود.

در روایات است که اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد خدا او را آن محشور می کند. حضرت می خواهد

بفرماید که هر کسی به هرچه علاقه داشته باشد و عشق

بورزد با همان در آن دنیا محشور و همنشین خواهد بود.

خواه آن چیز بد باشد یا خوب، فرقی نمی کند. از همین

جاتفاوت در درجات انسان ها مشخص می شود. هر که روحی بلند و پاک و آواسته داشته باشد به چیزهای

کوچک دل نمی بندد. اینجاست که می فهمیم چرا اولیای

خدای اینقدر به اهل بیت عصمت و طهارت وابسته و مشتاق

بودند. آنها که به دنبال کمال انسانی و انسانیت اند

عاشق الگوهای انسانیت و عبودیت می شوند. این داستان

برای انسانهای پست و فروماهیه بر عکس و واژگون است. ائمه

اطهار که مصداق بازار غیرت اند هم در مقابل هیچگاه

دوستداران خود را رهانی کنند و روح بلند و ملکوتی و

انسانی آنها اجازه نمی دهد که مشتاقانشان را دست

خالی برگردانند. مرحوم شریف رازی نقل می کند: آیت الله

حائری یزدی، بنیانگذار حوزه علمیه قم دارای خصایص

اخلاقی و انسانی و سجا یای بسیاری بود. از خصوصیات باز

او شدت ارادتش به پیامبر و خاندانش، به ویژه سالار

شهیدان حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود که زباند

دیده گشودم اما دریافت که چشمان بسته و بصرورت پوشش کشیده

اند. خواستم پایم را حرکت دهم که دیدم دو شست پایم را نیز بسته

شیخ ابراهیم صاحب الزمانی تبریزی که یکی از خوبان

بود از سوی آن جناب دستور داشت همه روزه پیش از آغاز

درس فقه آن مرحوم، دقایقی ذکر مصیبت امام حسین

علیه السلام را نماید و آنگاه جناب حائری درس فقه خود

را آغاز می کرد. دمه محروم مجلس سوگواری داشت و روز

عاشورا خود به نشان سوگ حسین علیه السلام گل بر

چهره و پیشانی می مالید و جلو دسته عزاداری علم

حرکت می کرد.

پیامبر اکرم مسیح امین



سوم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با شنبه ۶ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

نامه امام حسین علیه السلام برای اهل کوفه در این روز امام حسین علیه السلام برای بزرگان کوفه نامه ای نوشتند و آن را به قیس بن مسهر صیداوی دادند که به کوفه برساند.

چهارم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

فتاوی شریع قضائی به قتل امام حسین علیه السلام در این روز اسال ۶۱ هجری ابن زیاد با استناد به فتواهی که از شریع قضائی گرفته بود، در مسجد کوفه خطبه خواند و مردم را به کشن امام حسین علیه السلام تحریص کرد.

ششم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با جمعه ۹ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

یاری طلبی جبیب بن مظاہر از بنی اسد در شب ششم جناب حبیب بن مظاہر اسدی با اذن امام حسین علیه السلام برای آوردن یاور و کمک، به قبیله بنی اسد رفت.

نهم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با دوشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

محاصره خبیمه ها در کربلا امام صادق علیه السلام فرمودند: تاسوعا روزی بود که حسین علیه السلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و سپاه شام بر قتال آن حضرت اجتماع نمودند، و پسر مرجانه و عمر سعد به خاطر کشتن سپاه و لشکری که برای آنها جمع شده بود خوشحال شدند.

دهم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با شنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

عاشرها شهادت امام حسین علیه السلام در این روز در سال ۶۱ هجری که روز شنبه ۵۸ یا دوشنبه بوده، آقا و مولایمان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در سن سالگی (وبا ۵۷ و ۵۶ سالگی) بعد از نماز ظهر، مظلومانه و با حالت تشنگی و گرسنگی در زمین کربلا به شهادت رسیدند.

یازدهم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

حرکت کاروان اسرا از کربلا تشکیل مجلس این زیاد، روز یازدهم عمر سعد به کوفه آمد و اذن عمومی داد تا مردم در مجلس حاضر شوند سپس رأس مطهیر امام حسین علیه السلام را نزد او گذاشتند و او نگاه می کرد و تیسم می نمود و با جویی که در دست داشت جسارت می نمود اهل بیت امام حسین علیه السلام را با حالات اسارت به طرف کوفه بردند.

یازدهم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با یکشنبه ۱۸ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

فرستادن سرهای مطهر شدها به سوی شام بیست و سوم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با دوشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

تغیری برگاه عسکریین علیهایم السلام در سامرا ۱۴۲۷ ق مصادف با چهارشنبه ۲۸ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

بیست و پنجم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با چهارشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

شهادت امام سجاد علیه السلام در سال ۹۴ بنابر مشهور یا ۹۵ هجری در سن ۵۷ العابدین علیه السلام در سن ۵۷ سالگی با زهري که ولید بن عبد الملک یا هشام لعنهم الله به آن حضرت دادند به شهادت رسیدند.

بیست و ششم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با یکشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۳ هجری شمسی

شهادت علی بن حسن بن حسن علی المثلث در سال ۱۴۶ هجری در سن ۴۵ سالگی در زندان منصور که شب و روز در آن تشخیص داده نمی شد در حال تقیه کردن را هم بلد نبودم. گفتم: اگر خدا قبول کند. گفت: نه گولت زندن. گفتم: من یک عمری به مردم می گفتم شما گول شیعه را نخورید سجده در حالیکه غل و زنجیر بر دست و پایش بود به شهادت رسیدند.

بیست و هشتم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با شنبه ۱ آذر ۱۳۹۳ هجری شمسی

وقات حذیفه بن یعنی از بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و از خواص اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام شد، حذیفه یکی از هفت نفری بود که بر صدیقه طاهره علیه کی از سلمانکان کشته شد، حذیفه یکی از هفت نفری بود که بر صدیقه طاهره علیه السلام نماز خواندند او صحابه منافق را می شناخت.

تبیعید امام جواد علیه السلام در سال ۲۰ هجری به دستور معتصم از مدینه به بغداد تبعید شدند. و روود اسرای اهل بیت علیه السلام به علیک.

بیست و نهم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با یکشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۳ هجری شمسی

رسیدن کاروان اسرا به شام

به همین خاطر همه مذاهب اهل سنت از حنفی گرفته تا حنبلی و مالکی و شافعی را مورد مطالعه جدی قرار دادم. دیدم اینها همان است که قبل از بوده هیچ فرقی نمی کند. مسیحیت را خواندم دیدم مسیحیت هم چیزی برای گفتن ندارد. زرتشیت را خواندم، آن هم من را مجاب نکرد. حتی کتب شیطان پرستان را هم خواندم اما هیچ کدام من را راضی نکرد. هر دین و مذهب را که می خواندم با علمایشان هم گفتگو کردم این نکته را تحقیق و بررسی می کردم که صحبت های کتابها حقیقی واقعی باشد و بین نوشه های موجود در کتب و گفته های عالمان آن دین تعارضی نباشد در همه ای ادیان که مطالعه کرده بودم این تعارضات را دیدم (چهار سال طول کشید تا من برسی می کرد) و اینکه برای شیعه دوایزه امامی، رهسیار قم یاری طلبی جبیب بن مظاہر از بنی اسد در شب ششم جناب حبیب بن مظاہر اسدی با اذن امام حسین علیه السلام برای آوردن یاور و کمک، به قبیله بنی اسد رفت.

پرسیدم و آنها هم با صبر و حوصله و محبت بسیار به من پاسخ دادند. بعد از آنان خواستم کتابی به من معرفی کنند تا درباره شیعه بیشتر تحقیق برسیم که اینکه برای شناخت پهلوی شیعه دوایزه امامی، رهسیار قم کنم. آنها کتاب المراجعت و شباهی پیشاور را به من رفتم و سوالات و شیوه های ادبیاتی که داشتم از آنها پرسیدم. به دفتر آیت الله بهجت رفتم و بس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم. بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد مکری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم. در پاکستان به طور تخصصی در بیست جلسه یاد می داشند که چگونه فردی را در عرض پنج دقیقه به وهابیت جذب کنیم این آموزش رانزد آقایی به نام ابراهیم نژاد می دیدیم. در آنجا یک دوست شیعه پیدا کردم به نام مهدی رضایی. فردی بسیار خوش اخلاق و خوش بخورد و با اعتقاد بود. همیشه سر به سرش می گذاشت و می گفت: حیف نیست تو با این اخلاق شیعه باشی؟ او هم خیلی حرصش می گرفت و گاهی هم ناراحت می شد ولی چیزی نمی گفت. گاهی در جواب می گفت: حیف نیست تو سلفی باشی! از این دوستی ما چهار سال گذشت و او مکرر به من می گفت: بیا توجیه می کردن مثلا می گفتند: این فضیلت است نه رذیلت. در حالی که حداقل یک بار در روضه سیدالشہدا شرکت کن. من هم که دارای ریش بلند و تیپ و قیافه های مولوی های وهابی بودم خیلی سختم بود. به او گفت: این کفریات چیه؟ می گفت: حالا یک دفعه بیا از نزدیک ببین. با اصرار زیاد، من را مقاعده کرد که یک بار به مجلس روضه بروم. با دوستم یک شب عاشورا به مجلس روضه امام حسین علیه السلام رفتم و یک گوشه ای با خشم مجبور شدم که بنشیم. دیدم سید بزرگواری منبر رفت (نماینده ولی فقیه در کرمانشاه بود) و در حین صحبت هایش گفت: کدام یک از شما حاضرید به خاطر خدا و اسلام جانتان را بدھید و بعدش هم مطمئن باشید زن و بجهه تان به اسارت می روند؟ در آن زمان سیدالشہدا علیه السلام چه دید که حاضر شد، جانش گرفته شود و اهل و اولادش به اسارت روند؟ چرا امام حسین علیه السلام دست به چنین کار بزرگ زد؟ هر چی فکر کردم دیدم که در شخصیت های محبوب من، شخصیتی مثل امام حسین علیه السلام و بجهه تان به اسارت می روند؟ در آن زمان سیدالشہدا علیه السلام چه دید که حاضر شد، جانش گرفته شود و اهل و اولادش به اسارت روند؟ چرا امام حسین علیه السلام دست به چنین کار بزرگ زد؟ هر چی فکر کردم دیدم پیدا نمی شود که حاضر باشد به خاطر اسلام، دست به چنین کار بزرگ و خطرناکی بزند! این سوال مهمی بود که برایم ایجاد شد. در همان حین خیلی برای امام حسین و شخصیت ایشان ناراحت شدم که چرا هیچ کس امام حسین را درک نکرد و ایشان را همراهی نکرد. آن شب چراغ ها را خاموش کردند و مشغول به سینه زنی شدند ولی من سینه نزدم، نشستم و برای امام حسین علیه السلام گفت: کدام یک از فرقه مانی گذارند امدادی کردند که چرا هیچ کس شدند. گفتم: من که کردستان و سنتجان را هم بحث کردم و آنها هم محکوم شدند. گفتم: من یک عمری به مردم می گفتم شما گول شیعه را نخورید سجده در حالیکه غل و زنجیر بر دست و پایش بود به شهادت رسیدند.

بیست و هشتم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با شنبه ۱ آذر ۱۳۹۳ هجری شمسی

وقات حذیفه بن یعنی از بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و از خواص اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام شد، حذیفه یکی از هفت نفری بود که بر صدیقه طاهره علیه کی از سلمانکان کشته شد، حذیفه یکی از هفت نفری بود که بر صدیقه طاهره علیه السلام نماز خواندند او صحابه منافق را می شناخت.

تبیعید امام جواد علیه السلام در سال ۲۰ هجری به دستور معتصم از مدینه به بغداد تبعید شدند. و روود اسرای اهل بیت علیه السلام به علیک.

بیست و نهم محرم ۱۴۳۶ هـ مصادف با یکشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۳ هجری شمسی

رسیدن کاروان اسرا به شام

وقتی یک وهابی برای امام حسین علیه السلام گریه می کند!

سلمان حدادی هستم، سال ۱۳۶۱ در شهرستان سنتنگ به دنیا آمدم. پدرم به مادرم گفت: اسم مذهبی روی فرزندمان بگذار. مادرم که متولد سوریه و شیعه مذهب است، و خیلی محبت امیر المؤمنین در دلش بود و هست، اسما را سلمان گذاشت. با این اسم بزرگ شدم در حالی که از اسما منتظر بودم و احسان شرمندگی می کردم. چون تبلیغات مسیحی از شیعیان برایم شده بود، واژ اینکه مادرم هم شیعه است احساس بسیار بدی داشتم و برایم کسر شان بود که مادرم شیعه است. با تشویق پدرم، با این راه راهنمایی، در کنار درس های مدرسه، تحصیل دروس حوزه را هم شروع کردم و ادامه دادم. بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم.

بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم.

بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم.

بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم.

بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم.

بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم.

بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم.

بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم.

بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک دوره کامل نحوه تبلیغ و جذب رفتم. پس از برگشت از پاکستان، امتحان کنکور دادم و در دانشگاه کرمانشاه در رشته استخراج معدن قبول شدم.

بعد از اتمام دبیرستان، سه سال دوره تکمیلی حوزه را به زاهدان و مسجد

مکاری رفتم و پس از مولوی شدن، چهار ماه هم به رایوند پاکستان، برای آموزش یک